

هیچ نهاد یا تشکلی قربانیان اسیدپاشی را حمایت نمی کند

زخم های

بی مرهم

گزارشی از وضعیت زندگی قربانیان اسیدپاشی در ایران به روایت معصومه عطایی، ترانه بنی یعقوب و حامد محمدی کنگرانی

صفحه ۱۱ | ارتباط با

همراه بحث هایی درباره کاستی های رابطه متقابل مردم و سازمان های مردم نهاد در ایران

صفحه ۱۰ | ارتباط با

در طرح نو امروز همچنین مطالبی می خوانید از:

هوشنگ ماهر ویان، فاطمه قاسم زاده، فائزه درخشانی، بابک توتونچی، اردشیر صالح پور و مهدی پهلوی

مردم هنوز سازمان های مردم نهاد را نمی شناسند

محمد علی اینانلو
فصل محیط زیست



نمی توان به علاقه و کار سازمان های مردم نهاد احتیاط کرد. نگاهت اما متأسفانه این سازمان ها مگر در موارد بسیار خاص (مثلاً جمعیت پوز که تاحدی در کارشان موفق بوده اند) به دلایل مختلف در کارهایی که هدف به سرانجام رساندنشان را داشته اند، موفق نبوده اند. برای مثال سازمان های مردم نهادی که به صورت عام و بدون هیچ هدف خاصی فعالیت می کنند و فقط اسم خودشان را سازمان های مردم نهاد طر فدار محیط زیست می گذارند، نه در کارشان موفق بوده اند و نه مردم از آنها شناسخت کافی دارند. به نظر من در این مورد دو کاستی مهم وجود دارد. برخی مواقع افرادی خاص، سازمان های مردم نهادی را تشکیل می دهند و با هدف معروف شدن و به دست آوردن منابع مالی احتمالی که از سوی سازمان محیط زیست و دولت پرداخت می شود، تعدادی جوان را در خود جمع می کنند. بعد از آن که به موفقیت مورد انتظار دست پیدا می کنند، کار را رها می کنند و می روند و جوان ها هم سر خود رها می شوند. باین وجود اما بزرگترین آفتی که آن جنی اوهای ما را به ویژه در زمینه محیط زیست تهدید می کند، عدم آموزش است. آنها به طور کلی نمی دانند می خواهند درباره چه چیزی صحبت کنند یا به فعالیت بپردازند. شخصاً میان آن جنی اوهای ایرانی افراد کمی را دیدم که دارای مطالعه تخصصی باشند. بیشتر آنها گاهی رفتاری احساسی از خود نشان می دهند. با توجه به مسافت هایی که به خارج از کشور رفته اند آشنایی دور دوری با آن جنی اوهای فعال در کشورهای مختلف دارم از این هگنر است که به نظر من تفاوت عمده ای که بین آن جنی اوهای ایرانی و خارجی وجود دارد مربوط به مقوله آموزش است. بیشتر سازمان های فعال در ایران این آموزش را ندیده اند که برای رسیدن به هدف خود باید به دنبال چه چیزی باشند. آنها چرایی و چگونگی این موضوع را هم نمی دانند و در مورد راه رسیدن به هدف آگاهی ندارند. به نظر من راه صحیح از مسیر احساساتی شدن نمی گذرد. در کشور زان اگر آن جنی اوهی برای ممنوع کردن قتل عام نهنگ ها به وجود بیاید، در مورد نهنگ مطالعه کرده و این موجود را می شناسد. اعضای این سازمان مردم نهاد می دانند که نهنگ به چه سرسزمین هایی مهاجرت می کند و چه مکان هایی را برای استراحت انتخاب می کند. این در حالی است که در ایران اعضای آن جنی اوهایی که درباره حیات وحش ایران تگرافی می کنند تا به حال در طول دوران زندگی خود قوچ با میش ندیده اند. هر چه می دانند از شنیده ها بشان به دست آمده است. به نظر من اولین مانعی که بر سر راه سازمان های مردم نهاد مدتی قبل طرح است، عدم شناخت مردم از فلسفه سازمان های مردم نهاد است. مردم نمی دانند وقتی یک سازمان مردم نهاد برای مسأله ای اجتماعی (مثلاً محیط زیست) تشکیل می شود، به طور کلی دارای چه اهدافی است. باین وجود اما بیشترین مانع را عدم مطالعه خود اعضا و مسئولان می دانم. سازمان های مردم نهاد بعد از تشکیل باید مأموریت هایی به عهده بگیرند. به عنوان مثال اگر بخواهند برای نجات فو کهای در سیان مازندران تلاش کنند، لازم است چند روز در آنجا مستقر شوند. آنها از حداقل پولی که برای مسافرت به آن منطقه لازم است هم بی بهره اند. باین وجود مشکلات مالی هم تا حدود زیادی معلول عدم شناخت سازمان های مردم نهاد میان مردم است که در این بین نقش علت را ایفا می کند. مردم برای کمک مالی به سازمان های مردم نهاد باید در ابتدا این جنی اوه را بشناسند. رفتار اصلی مردم در مواجهه با سازمان های مردم نهاد دو جنبه اساسی قابل بررسی است. یکی اینکه مردم اصولاً چیزی به اسم سازمان مردم نهاد را به خوبی شناسخته اند. از سوی دیگر مردم مایل این زمینه به قریب بار گزیده شده اند که از ریسکان سیاه و سفید هم می ترسند. هر جمعیتی که تشکیل می شود حتی اگر هدفش هم خیر باشد، برای انجام مأموریت هایش (مثلاً محافظت از دریاچه ارومیه) نیاز مالی دارد. بعد از آن که اعضا از مردم کمک می خواهند، مردم در ابتدا فکر می کنند ذاتی باز شده که برخی افراد می خواهند با استفاده از آن جیب خودشان را پر پول کنند. بنابراین باید تا حدودی هم حرق را به مردم دیدیم. جافانندان بنیادی به نام سازمان مردم نهاد در ایران یک فرآیند زمانبر است. به همین خاطر است که معتقدم افرادی که می خواهند در این مسیر گام بردارند، هم باید به مسویری کنند و هم باید در مسیر خود حضور پر رنگی داشته باشند. آنها باید تمام سعی خود را به کار گیرند تا فعالیت ها و اهداف خود را از طریق رسانه های ارتباط جمعی به مردم شناسانند. در کام اول باید فلسفه این موضوع را جاسینازند و به این سوال پاسخ دهند که آیا اصلاً وجود آن جنی اوهای خاصه سازمان مردم نهاد آنها لازم است یا نه؟ در ادامه باید به معرفی خودشان بپردازند یا کمالات تصف باید به این نکته هم بپردازیم که در شرایط کنونی صداوسیما به سازمان های مردم نهاد باور کافی ندارد و هیچ رسانه ای هم مثل این رسانه قدرت معرفی این سازمان ها را ندارد. تلویزیون باید دید خود در مورد این سازمان ها را اصلاح کند و فضای را برای معرفی آنها فراهم آورد.

